

پاسخ‌نامهء تشریحی مرحلهء دوم آزمون المپیاد ادبی - دورهء بیست و هشتم

نویسندگان پاسخ‌نامه: (به ترتیب حروف الفبا)

- سامان جواهریان
- سیاوش خوشدل
- ستایش دشتی
- محمّد رزمی
- سارا سعیدی
- سیاوش گودرزی
- سحر مهرابی
- انیس نصری

تاریخ ادبیات ۲

۱. گزینه ۳.

این سوال از پانویس صفحه ۴۶ کتاب تاریخ ادبیات ۲ طرح شده است.

۲. گزینه ۱.

مسالكالمحسنين داستان سفر **رویایی** گروهی به قلّه دماوند است. (نگاه کنید به صفحات ۵۹ و ۶۰ تاریخ ادبیات ۲)

۳. گزینه ۱.

نگاه کنید به صفحه ۷۲ کتاب تاریخ ادبیات ۲.

۴. گزینه ۴.

پرشان به تقلید از گلستان و گلشن صبا به تقلید از بوستان سعدی است. نگاه کنید به صفحه ۸۱ تاریخ ادبیات ۲.

۵. گزینه ۱.

دادائیسیم روشی **ضدهنری** داشت. نگاه کنید به صفحه ۱۶۷ کتاب.

ادبیات فارسی ۳

۶. گزینه ۲.

نگاه کنید به صفحه ۴۵ کتاب درسی ادبیات فارسی سوّم انسانی: «احمق مردا که دل در این جهان بندد که نعمتی بدهد...»

۷. گزینه ۲.

۸. گزینه ۲.

«سازید» همانند فعل «ساخت» در استعمال امروزی به کار رفته است و ماضی مفرد را می‌رساند. «بیچاره‌وار» نهاد، و منظور از «کار»؛ نبرد است. «بیگانه شد» یعنی از صاحب خود جدا شد. نگاه کنید به صفحه ۱۷-۱۵ کتاب درسی ادبیات فارسی سوّم انسانی.

۹. گزینه ۲.

نگاه کنید به صفحه ۱۳۶-۱۲۷ کتاب درسی ادبیات فارسی سوّم انسانی.

۱۰. گزینه ۱.

نگاه کنید به صفحه ۱۰۸ کتاب درسی ادبیات فارسی سوّم انسانی.

۱۱. گزینه ۴.

۱۲. گزینه ۴.

نگاه کنید به صفحه ۱۰۴ کتاب درسی ادبیات فارسی سوّم انسانی، بند دوم.

۱۳. گزینه ۳.

«نامه از امیر محمود بازگرفت»: نامه‌نگاری و مکاتبه را قطع کرد. نگاه کنید به صفحه ۴۱ کتاب درسی ادبیات فارسی سوّم انسانی.

زبان فارسی ۳

۱۴- گزینه ۳.

این گزینه جمله‌ی دوجزئی بی‌فعل است در حالی که سه گزینه دیگر یک‌جزئی بی‌فعل هستند.

۱۵- گزینه ۴.

در این گزینه آینه‌بندان اسم است، نفرت‌بار و دیریاب صفت هستند، و خوش‌نویس هم اسم است و هم صفت. توضیح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: همه‌ی واژه‌ها اسم هستند.

گزینه ۲: مشترک بین اسم و صفت.

گزینه ۳: همگی اسم هستند.

۱۶- گزینه ۴.

واج‌های میانجی عبارتند از: گ و ی (زندگی)، ی (ساده‌ی)، گ (گذشتگان)، همزه (مجموعه‌ای)، ی و ی (زیبایی‌هایی)، همزه (خاطره‌ای).

۱۷- گزینه ۳.

در این گزینه سه وابسته‌ی وابسته هست: این (صفت مضاف‌الیه)، رباعیات (مضاف‌الیه مضاف‌الیه) و بس (قید صفت). در سایر گزینه‌ها این موارد دیده می‌شود:

گزینه ۱: نخستین (صفت مضاف‌الیه) و من (مضاف‌الیه مضاف‌الیه)

گزینه ۲: او (مضاف‌الیه مضاف‌الیه). دقت کنید که «خانه» مضاف‌الیه هسته (فضا) است و وابسته‌ی وابسته نیست.

گزینه ۴: چندان (قیدِ صفت). دقت کنید که «من» مضاف‌الیه هسته (روح) است و وابسته‌ی وابسته نیست.

۱۸- گزینه ۲.

در این گزینه «هجر تو» نهاد و «عبرت دوران» مفعول است. در سایر گزینه‌ها فعل فزود ناگذر است و مفعول ندارد. نهادِ فعل در سایر گزینه‌ها به ترتیب عبارت است از: وحشتِ بیگانگی، خارخارِ خنده‌ی تو، هر چه [که از حسن یار کم شد].

۱۹- گزینه ۲. در این گزینه فعل دوم‌شخص است و ماضی ساده؛ یعنی «ی» شناسه است. در سایر گزینه‌ها فعل سوم‌شخص است و ماضی استمراری؛ یعنی «ی» جزو فعل و معادل «می» است.

۲۰- گزینه ۲. در این گزینه نهاد دوم‌شخص جمع محذوف است. (از نظر معنایی همان «هوشمندان» نهاد است. اما از نظر دستوری «هوشمندان» شبه‌جمله است و جزو جمله نیست.) در سایر گزینه‌ها به ترتیب ناپخته، سوخته و مادر نهاد هستند.

آرایه‌های ادبی

۲۱. گزینه ۲.

تشبیه بلیغ اسنادی، تشبیهی است که در آن مشبه نهاد و مشبه به مسند باشد. در گزینه نخست، «خون شدن دل» کنایه است. در گزینه دوم دل به دریا تشبیه شده است (دل من همچون دریا شد) در گزینه سوم تشبیهی وجود ندارد، بلکه از بین رفتن پیکر انسان را توصیف می‌کند. در گزینه چهارم هم تشبیهی وجود ندارد.

۲۲. گزینه ۴.

در اسلوب معادله ادعای برابری بین دو پدیده وجود دارد، ولی دو مصراع با پیوند (حرف ربط یا ادات تشبیه) به هم متصل نمی‌شود. تنها گزینه واجد این شرایط گزینه چهارم است.

۲۳. گزینه ۲.

در این گزینه «آهو» استعاره از عاشق است.

۲۴. گزینه ۴.

در مصراع نخست واژه «گرم» و در مصراع دوم واژه «عزیز» ایهام تناسب ساخته‌اند. (چون فقط یک معنا از دو معنای آن‌ها در بیت صدق می‌کند، ایهام وجود ندارد) در مصراع دوم بیت اول و مصراع اول بیت دوم تشبیه وجود دارد.

۲۵. گزینه ۱.

در نخستین گزینه دلیل شاعرانه‌ای وجود ندارد (صوفی چون دید محتسب هم سبوکش شده است، روی به میخانه آورد) در گزینه دوم آب زدن به روی گل علت وجود شبنم پنداشته شده است. در گزینه سوم شاعر می‌گوید که گل از شرم رخ تو در غنچه پنهان است و در گزینه چهارم علت برافروختگی رخ یار را این می‌داند که معشوق جان عشاق را چون سپندی در آتش رخ خود می‌سوزاند.

۲۶. گزینه ۲.

در گزینه نخست واژه «دستان» با دست، در گزینه سوم «تاب» با آتش و در گزینه چهارم «خور» (در کلمه درخور) با آفتاب ایهام تناسب می‌سازد.

کلیده و دمنه

۲۷. گزینه ۲.

به زعم طراح محترم سوال، توضیح همهء گزینه‌ها درست است به غیر از گزینه ۲. معنی درست گزینه ۲ احتمالاً چنین است: اگر خدمت (یا احترامی) را که ما به تو کرده‌ایم فراموش نموده‌ای، ما هنوز حق‌گزار نعمت تو هستیم.
نکته: معنای ذکر شده برای گزینه ۲ این سوال نیز می‌تواند کاملاً صحیح باشد. چرا که با توجه به متن کلیده و دمنه، این عبارت پیش از دیدار سیاح با ببر بیان می‌شود. سیاح با دیدن ببر می‌هراسد و ببر برای آرامش بخشیدن به او می‌گوید: نترس! اگر خدمتی که به ما کرده‌ای را فراموش نموده‌ای، ما هنوز آن خدمت و محبت را از یاد نبرده‌ایم. به عبارت دیگر «خدمت ما» در جمله اول، می‌تواند به معنای «خدمت به ما» باشد. لذا در کنار معنای اولی که ذکر شد، این معنا هم کاملاً می‌تواند صحیح باشد و هیچ دلیل روشنی بر رد آن وجود ندارد.

۲۸. گزینه ۳

در این گزینه، تشبیب به معنای «مقدمه و سرآغاز» است؛ در حالیکه اینجا به اشتباه «جوانی» معنا شده است.

۲۹. گزینه ۴

در گزینه ۴ عروس زال استعاره از دنیای فریبنده و کشنده است. مفهوم این گزینه ترک دنیا و طمع نبستن در آن است و با هوسرانی تفاوت دارد.

۳۰. گزینه ۳

معنای درست گزینه ۳ چنین است: بدون تردید در مسائل مختلف دادگری و مهربانی، از پیشینیان خود پیروی و به آنها اقتدا کند.
نکته: در گزینه ۱ این سوال اشتباهی جزئی دیده می‌شود. در این گزینه کلمه «اصطناع» نیکویی کردن معنی شده است. هر چند به لحاظ لغوی این کلمه معنای نیکویی کردن هم می‌دهد، اما در بخشهای مختلف منبع منتخب از کلیده و دمنه (از جمله همین عبارت گزینه ۱) به معنای «برکشیدن و نزدیک گرداندن» است و این معنا با مهربانی کردن متفاوت است.

۳۱. گزینه ۱

این بیت را سیاح پس از دستگیری بوسیله پادشاه، خطاب به زرگر می‌گوید. (نگاه کنید به صفحه ۴۰۴ کتاب کلیده و دمنه تصحیح مینوی)

۳۲. گزینه ۳

انتعاش به معنای بهبود بیماری و نیکو شدن حال، پس از آن است.

مسعود سعد:

۳۳. گزینه ۳.

صورت درست توضیحات گزینه‌های دیگر:

یک: قلم من (و شعرهایم) مایه رنج دشمن است؛

دو: انگیزه شعری که گفته‌ام، مخالفت با دشمن است؛

چهار: مبدا مثل یک جادوگر به آسمان رفته باشد.

۳۴. گزینه ۲.

در گزینه یک، اضافه شدن تعداد نگهبان‌های زندان را لطف (!) کوتوال می‌داند؛

در گزینه سه، می‌گوید: آنقدر زندان من بر جای بلندی قرار دارد که نگهبان مرا دست می‌اندازد و می‌گوید: اگر روی پشت‌بام زندان بروی، گاهی از کهکشان توی چشمت می‌افتد و آزارت می‌دهد!

در گزینه چهار، سختگیری‌های زندانبانان را لطفی (!) می‌داند که باید جبران کند و حقی (!) که باید ادا کند.

۳۵. گزینه ۲.

در صورت سؤال و بیت گزینه دو، مشکل اصلی بدبختی‌هایش را «خودش» می‌داند و می‌نالد که چرا تقصیر را به گردن دیگران می‌اندازد.

۳۶. گزینه ۴.

در گزینه یک، خود را تیغی دانسته و امیدوار است که روزی برسد که با یک صیقل، برندگی خود را بازیابد؛ در گزینه دو، خود را شمشیری دانسته و امید دارد که روزگار روزی از او بنحوی شایسته استفاده کند؛ در گزینه سه، برای ممدوح خود امید خوشبختی دارد.

۳۷. گزینه ۴.

قدما اعتقاد داشتند که جهان بر آب بنا شده است.

۳۸. گزینه ۳.

توضیح درست گزینه سه: هرگاه اقبال به من روی آورد، رنجی بر من افزوده شد. عجبا که چیزهای نیکو همیشه چیزهای نامطلوب در کنار خود دارند.

۳۹. گزینه ۴.

توضیح درست گزینه چهار: چشمان خمار تو باعث می‌شوند که من مست عشق شوم.

۴۰. گزینه ۴.

در گزینه‌های یک، دو و سه، به ترتیب به این قسمت‌های متن داده‌شده اشاره شده:

زَرّ و آهن ما را تویی محک و مسن - مرا جز این رخ زرّین ز دستگاه نماند - زمانه سخت حرون است و بخت بس توسن.

تاریخ بلعمی

۴۱. گزینه ۳.

از آنجاکه شهر آمل کاملاً خودکفا بوده و همه نیازهای مردم در خود شهر تأمین می‌شده و نیازی به واردات از بیرون شهر نبوده است، منوچهر توانست بدون نیاز به کالاهای خارج شهر، در محاصره پایدار بماند و نهایتاً افراسیاب مجبور به صلح و ترک محاصره شد.

۴۲. گزینه ۱.

معنی درست گزینه‌های دو، سه و چهار، به ترتیب چنین است:

به دنبال و پشت سر کیومرث رسید - این زخم خود را با مغز سر انسان مداوا کن - بخشی را برای پشنگ می‌گذاشت.

۴۳. گزینه ۲.

و معنی درفش بر زبان پهلوی «علم» بود و چیز «تابان» را درفش خوانند...

۴۴. گزینه ۲.

(صفحه ۱۴۸ منبع، براساس صفحات فایل وبگاه المپیاد ادبی)

۴۵. گزینه ۴.

ملک باید آن کاردار را محابا «نکنند» (از آن کاردار نترسد و مراعاتش را نکنند) و آن کاردار با «متظلم» (دادخواه) گرد آورد...

(صفحه ۳۵۴ منبع، براساس صفحات فایل وبگاه المپیاد ادبی)

ادبیات معاصر نظم

۴۶ - گزینه ۲.

سنت‌گرایی حمیدی در همه جنبه‌ها از جمله تصاویر شعر کاملاً روشن است. شعر او جنبه‌ی اجتماعی ندارد. عشق در شعر موضوعی محوری است و بهانه‌ای برای پرداختن به طبیعت نیست. اما منظور از گزینه یک ظاهراً کلی بودن یا جزئی و عینی بودن عشق و معشوق است. در شعر حمیدی نشانه‌های اندکی برای عینیت و تشخیص بخشیدن به معشوق هست. (مثلاً در شعر گل ناز صحبت از شیرازی بودن او می‌کند.)

۴۷ - گزینه ۴.

زبان شعر نادرپور کهنه‌گرا نیست. رمانتیسم سیاه، به غلبه‌ی احساسات منفی مثل ناامیدی اشاره دارد.

۴۸- گزینه ۴.

در بیت «ج» بنفشه باید به صورت جمع (بنفشه‌ها) بیاید. وگرنه کاربرد ضمیر «هم» [یکدیگر] بی‌معنا خواهد بود. در بیت «د» رابطه‌ی درستی میان جمله‌ی پایه و پیرو وجود ندارد. «فرینده زاد» نمی‌تواند نتیجه‌ی «بمیرد» باشد.

۴۹- گزینه ۱.

در این گزینه آسمان با توجه به واژگان قدما، سبز خوانده شده است.

۵۰- گزینه ۲.

سه گزینه دیگر به روشن شدن آسمان و صبح شدن اشاره دارند.

۵۱- گزینه ۳.

در سه گزینه دیگر به عمل همراه با ایثار و پایداری مدافعان میهن اشاره شده است.

۵۲- گزینه ۲.

شعر نیمایی در پی رها شدن از عروض سنتی و بر هم زدن تساوی مصرع‌ها بود نه کاربرد وزن‌های کم‌سابقه. عنصر روایت را در شعر نیما و برخی از پیروان سرشناس او، مثل مهدی اخوان ثالث می‌توان دید. نزدیک شدن به زبان گفتار و طرز مکالمه‌ی طبیعی نیز در شعر نیما از «افسانه» آغاز شد و در کار پیروان او ادامه یافت.

۵۳. گزینه ۲.

داستان فردا در راه است درباره روابط نادرست دو فرد در بستر جامعه‌ای است که فقط به سخن‌چینی و حرف زدن روزگار می‌گذراند. نویسنده این اوضاع آشفته را با فضاسازی بارانی شدید تشدید کرده و نشان داده است.

۵۴. گزینه ۱.

شخصیت اصلی این داستان مردی است که از تشخیص چهره خود عاجز است و نمی‌تواند خود را با تصویر - حتی با استفاده از آینه - تطبیق بدهد. از این رو مرتبط‌ترین گزینه، گزینه‌ای است که با این مفهوم هم‌خوانی داشته باشد.

۵۵. گزینه ۱.

در واقع هیچ‌یک از این گزینه‌ها پاسخ درست نیستند. نویسنده می‌گوید آقای مستقیم این کار را آغاز کرد که تاریخ مرگ مردان بزرگ را ثبت کند؛ سپس به فکر ثبت تاریخ مرگ مردم عادی افتاد (نگاه کنید به صفحه ۸۱ پاراگراف دوم) و در پایان نویسنده می‌گوید: «در میان آگهی‌های تسلیت به دنبال چیزی می‌گشت که در صفحات دیگر نیافته بود... زمانی... فکر کرده بود که اگر بمیرد چه خواهد شد» در هیچ جا سخت از «ترس» او نیست، بلکه فقط به بازسازی مرگ خودش می‌پردازد.

۵۶. گزینه ۳.

پاسخ به این سوال تا حد زیادی به سلیقه و درک خواننده بستگی دارد. تنها آشتی با اشرف خانم است که نمی‌تواند «غیرمنتظر» خواننده شود، گزینه دوم هم چندان قابل قبول نیست، هر چند می‌توان آن را توجیه کرد. بین دو گزینه دیگر انتخاب مناسبی وجود ندارد و مثلاً حسن میرعابدینی در صد سال داستان نویسی (نشر چشمه) دیوانه شدن میرزا محمودخان را اتفاق غیرمنتظر دانسته است.

سه بر خوانی

۵۷. گزینه ۴.

ساختن رویینه‌دژ ار کارهای بندار بیدخش است.

۵۸. گزینه ۱.

کشواد می داند که سپاه ایران به هر حال شکست خورده است و اگر تیر بیندازد گناه شکست به گردن او می‌افتد و نفرین مردم برای او خواهد بود.

حافظ

۵۹. گزینه ۴.

عبارت «ز ترک کله چتر بر سحاب زده» به این معنی است که کلاهشان بر ابر سایه می‌افکند و این عبارت کنایه از قدر و منزلت بلند است که در این بیت در باب سبوکشان و مریدان گفته شده است.

در این پرسش، گزینه نخست هم می‌تواند درست باشد. یعنی اگر «ولی» را به معنای «اما» و حرف ربط بدانیم، گزینه چهارم درست است و اگر آن را «مرشد و پیر» معنی کنیم، نهاد جمله است و گزینه نخست نیز صحیح می‌نماید.

۶۰. گزینه ۲.

«سیه‌کاسه»، صفت مرکب و به معنی بخیل و ممسک و گرفته است و حافظ در این بیت توصیه می‌کند که قدم از این مهمان‌سرای فلک بیرون بگذار و نان و کام مجوی که این میزبان تنگ‌چشم بخیل، سرانجام مهمان خود را نابود خواهد کرد و ما را به استغنا فرامی‌خواند. صفت «سیه‌کاسه» و مضمونی شبیه به همین بیت را بسیار می‌توان یافت؛ از جمله:

«دهر سیه‌کاسه‌ایست ما همه مهمان او / بی‌نمکی تعبیه‌ست در نمک خوان او» خاقانی

۶۱. گزینه ۲.

سؤال کلی‌ست و حول موضوع دعوت به خوش‌باشی و نشاط و عیش می‌توان شاهد‌های فراوان در دیوان حافظ یافت؛ مثال: «هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی / کاین کیمیای هستی قارون کند گدا را» (غزل ۵)

«به گوش هوش نیوش از من و به عشرت کوش / که این سخن سحر از هاتم به گوش آمد» (غزل ۱۷۵) و ...

۶۲. گزینه ۱.

«رند» در دیوان حافظ از مقامی خاص برخوردار است و «رندی» مذهبی است قابل پیروی و دور از رنگ و ریا و مخالف مصلحت‌بینی و عافیت‌طلبی که البته همه کس را بدان، راه نیست. «حال» و «مقام» نیز دو گونه ذوق عرفانی است (حال زودگذر است و مقام ماندگار) که صوفیان و زاهدان ریایی از آن نصیبی ندارند و بهره‌رندان است. چه در معنی عام باشد و چه در اصطلاح عرفانی؛ مانند بیت:

«راز درون پرده ز رندان مست پرس / کاین حال نیست زاهد عالی مقام را»

۶۳. گزینه ۴.

در سه بیت اول نوعی جبرگرایی و بی‌اختیاری و قسمت‌ازلی دیده می‌شود؛ اما در بیت چهارم شاعر می‌فرماید: «ای بخت سرفراز (به تعبیر دکتر استعلامی: بختی که روی می‌آورد و ممکن است رو بگرداند). یار مرا سخت در آغوش گیر و گاه پیاله زرین بنوش و...» مضمون بیت چهارم متفاوت است.

۶۴. گزینه ۴.

می‌گویند نوح، جسد آدم و حوّا را هم با خود به درون کشتی برد و «خاک»ی که... جسد آدم است.

۶۵. گزینه ۳.

معنی بیت چنین است: «ناز و غمزه زیبایان بلندبالا تا وقتی ست که یار سرو رفتار ما حسن‌نمایی آغاز نکرده باشد.» که مفهوم گزینه ۳، تأییدکننده همین معنی است.

خاقانی

۶۶. گزینه ۴

تضاد در سایر گزینه‌ها:

(۱) عمر رفته و عمر نیامده (آینده)

(۲) تضاد معنایی میان روز و عمر از حیث زمان (کم در برابر زیاد)

(۳) یافتن و گم کردن

۶۷. گزینه ۱

درست است که گزینه ۱ نیز در رثا سروده شده، اما شخص متوفی نمی‌تواند همسر شاعر باشد؛ زیرا در این گزینه چنین داریم: «خط شبرنگ نانموده هنوز». این عبارت به معنای این است که فرد مورد نظر هنوز در سنین جوانی بوده و موی سیاه گونه‌اش پدیدار نشده بود. طبعاً چنین وصفی برای متوفای مذکر است و نمی‌تواند درباره همسر شاعر باشد.

۶۸. گزینه ۲

در مصراع دوم گزینه ۲، «رصد» به معنای کمین است و ارتباطی با رصد نجومی ندارد.

کلمات نجومی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: نعل به چند ستاره پراکنده در آسمان (از مجموعه ستارگان بنات نعل) اطلاق می‌شود.

گزینه ۳: تیر در این گزینه به معنای عطار است.

گزینه ۴: سماک ستاره‌ای در آسمان و یکی از منازل ماه است. (یا بعضی گفته‌اند دو ستاره است: سماک اعزل و سماک رائج)

۶۹. گزینه ۱

معنای بیت گزینه ۱ چنین است: شنیده‌ام که در زمانی و دوره‌ای، روزگار وفا کرده است / (اما) من با چشم خودم دیدم که در دوره ما (روزگار) وفایی نکرد. چنان که مشاهده می‌شود، معنای مصراع اول بدون مصراع دوم هم کامل است و نیازی به آن ندارد. در واقع طراح از دوگانه بودن معنای کلمه «وقتی» استفاده کرده و خواسته است از این طریق ذهن مخاطب را گمراه کند. چرا که اگر این کلمه را «هنگامی که» معنی کنیم، معنای مصراع اول ناقص می‌شود؛ در حالیکه اینجا چنین معنایی نادرست است.

معنای مصراع نخست سایر گزینه‌ها:

(۲) از وقتی که حلقه‌های زلف را در هم شکسته‌ای، ...

(۳) قسمت و بهره شما را نمی‌دانم، اما در مورد خودم می‌دانم که ...

(۴) اکنون تازه ضربه را خورده‌ای و از درد هنوز ...

۷۰. گزینه ۱

وزن عروضی بیت گزینه ۱ چنین است: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلات. با این حساب در گزینه ۱، کلمه «افتاد» وزن را دچار اشکال کرده و باید به «وافتاد» تغییر کند.

نکته: هر چند انتظار فهمیدن افعیل عروضی در سطح دانش‌آموزی نمی‌رود، اما فهم وزن در حد کلیات و درست‌خوانی شعر، از توانایی‌هایی است که باید همه دانش‌آموزان المپیادی آن را داشته باشند. سوال فوق نیز با فهم کلی وزن و بدون نیاز به دانستن افعیل عروضی، قابل پاسخ دادن است.

۷۱. گزینه ۱

در مصراع اول گزینه ۱ پرسشی چنین از سوی معشوق مطرح شده: «آیا آرزوی شکر وجود من (یا شکر سخن من) را داری؟» و در مقابل آن چنین پاسخی داده شده است: «سخت در دهان شکرین باد!». معادل امروزی این تعبیر را می‌توان عبارت «خدا از دهنش بنود» یا مشابه‌های آن دانست. در واقع شاعر با آوردن چنین عبارتی پاسخ مثبت خود را، به صورت غیرمستقیم همراه با اشتیاق فراوان نشان می‌دهد.

گزینه ۲: در این گزینه هر چند پاسخ مثبت به سوال داده شده است، لیکن این پاسخ به صورت «مستقیم» است.

گزینه ۳: پاسخ مثبتی در این گزینه دیده نمی‌شود. در واقع پاسخ این است که: نه تنها اعتماد نمانده، بلکه امان هم نمانده است.
گزینه ۴: پاسخی که به پرسش این گزینه داده شده، بیان علت است و طبعاً از جنس بله یا خیر نیست.

۷۲. گزینه ۴

پاسبان و محافظ دل در برابر سرکشی‌ها و طغیان‌های عاشقانه آن، عقل است.

۷۳. گزینه ۲

منظور از «سحر» در گزینه ۲ راجع به خاقانی، شعر اوست و وی آن را دلیل برتری و فخر خود می‌داند.
سایر گزینه‌ها:

(۱) در این بیت مفاخره به دل خاقانی است، نه شعر او.

(۳) در این بیت خاقانی پاکبختگی و زلال بودن خود را می‌ستاید و این ستایش ارتباطی با شعرش ندارد.

(۴) در این بیت مفاخره‌ای وجود ندارد و با استفاده از کلمات قلم، نوشتن و سرشکستن قصد انحراف ذهن مخاطب شده است.

تذکره الاولیاء

۷۴- گزینه ۱

در این جمله بوسعید از ابوالحسن خرقانی اجازه می‌گیرند تا جهت سماع کردن آوازی بخوانند.

۷۵- گزینه ۳

علت نادرست بودن سایر گزینه‌ها: (۱) هر دو پیر خواهان بازگشت به حالت پیشین خود بودند (۲) «شود» به معنای رفتن و منتقل شدن و فعل ناگذر است. (۳) «نقل» نخست به معنای «حکایت» و دوم به معنای «انتقال و جابه‌جایی» است.

۷۶- گزینه ۴

مطابق تذکره الاولیاء، ابوالحسن در عبادت بر خود سخت می‌گرفته است؛ چنان که در متن می‌بینیم که شب تا صبح نمی‌خوابید و نماز صبح را با وضوی نماز عشا می‌خواند. هم‌چنین مطلبی که دال بر گرایش او به تشیع باشد در متن یافته نمی‌شود.

۷۷. گزینه ۴

خلق در سایر گزینه‌ها به معنای «مردم» است. در گزینه چهارم دو بار کلمه خلق آمده است. نخستین را می‌توان «مردم» یا «جسم» معنا کرد و دومی به معنای «جسم» است.

۷۸. گزینه ۱.

تصرف زبانی در «اگر توام درد کنی» روی داده است.

۷۹. گزینه ۲.

نزدیک‌ترین گزینه به مفهوم جمله این گزینه است. هر چند که دقیقاً با فحوای متن خرقانی تطبیق ندارد. مقصود خرقانی این است که برخی سالکان مقرب بدون زحمات و سلوک عادی مریدان به مقصود می‌رسند؛ و تلاش‌های عموم سالکان را به «راه رفتن» و مقام تقرب بزرگان را به «نشستن» تعبیر کرده است. (نگاه کنید به صفحه ۲۲۹ نسخه و بگاه)

مثنوی مولوی

۸۰. گزینه ۲.

داستان لقمان در مثنوی بر این نکته تأکید دارد که عاشق و دوست حقیقی کسی است که محنت‌ها و رنج‌ها را از جانب معشوق و در راه رسیدن به او بجان بپذیرد و بی‌تابی نکند و این نکته تنها در گزینه دوم مطرح شده است.

۸۱- گزینه ۲.

بیت مورد بحث بیانگر این نکته است که روح و جسم از یک جنس نیستند و مرتبه ذاتی این دو متفاوت است اما گاهی صفت و خاصیت یکسان موجب تجانس می‌شود. دقت کنید در اینجا مقصود مولانا از جنسیت، جنسیت منطقی نیست بلکه خاصیت مشترک است. بیت مطرح شده در گزینه دوم نیز به این نکته تأکید دارد. و برای اثبات این مسأله خاک و آب را مثال می‌زند و می‌گوید هرچند خاک و آب از یک جنس نیستند اما آب در رویانیدن نبات، خاصیت خاک را دارد.

۸۲. گزینه ۴.

در بیتی که در سوال آمده است اشارتی است به تأثیر قدرت پروردگار و عالم علم الهی در جهان ماده و عالم ظاهر، و اینکه همه چیز به اراده او بر کار و در حرکت است اما دیده ظاهری مُحَرَّکِ اصلی را نمی‌بیند. ابیات گزینه‌های ۳ و ۱۱ این معنی را با مثالی‌هایی روشن می‌کند: چشم در بیابان غباری می‌بیند که بر هوا بر شده است و پندارد آن حرکت از خاک است، اما آن چه حقیقت است اینکه حرکت خاک از باد است. خاک برای چشم‌های ظاهر بین آشکار است و باد و حرکت او را چشم‌های واقع بین تواند دید؛ در گزینه سوم نیز منظور از ناپیدا بودن دست و سوار، ناپیدا بودن محرک اصلی است. در گزینه دوم نیز این مسأله مطرح شده است که آنچه در عالم اتفاق می‌افتد تحت تأثیر تصرفات عالم غیب و علم الهی است پس محرک اتفاقات این دینا عالم غیب است که از چشم ظاهر پنهانست. اما تأکید بیت چهارم بر قضا و قدر است و ارتباطی با ابیات دیگر ندارد.

۸۳. گزینه ۲.

ترکیب «روز دین» و «مالک» یاد آور آیه ۴ سوره فاتحه است: «مالک یوم الدین».

۸۴. گزینه ۴.

در گزینه ۱ در مصراع دوم بیت یک «چون» به معنی «چگونه» است و جمله ساختار سوالی دارد: چگونه درخت را از درخت تشخیص نمیدهد؟ در گزینه ۲: مصراع دوم بیت یک سوالی است. آیا چنین نیست که از قلبی به قلب دیگر روزنه ایست؟ در گزینه ۳: «چون» در مصراع اول بیت یک به معنی «چگونه» است: چگونه فانی شود وقتی ... در گزینه ۴: «چون» به معنای «زمانی که» است و جمله سوالی نیست.

۸۵. گزینه ۳.

با توجه به ابیات زیر پاسخ صحیح واضح می شود:

گزینه ۱: طبل باز من ندای ارجعی ست / حق گواه من به رغم مدعیست

گزینه ۲: لیک دارم در تجلی نور ازو

گزینه ۳: من نیم جنس شهشنشه دور از او / گزینه ۳: من از جنس شاهنشاه هستم با توجه به این مصراع غلط است)

گزینه ۴: پاسبان من عنایات وی است / هر کجا که من روم شه در پی است.

راحة الصدور

۸۶. گزینه ۳.

«تا» در گزینه‌ها به ترتیب چنین است: که (حرف ربط) - برای اینکه (حرف ربط) - حرف اضافه در مفهوم انتهای زمانی - برای اینکه (حرف ربط).

۸۷. گزینه ۱.

«فسادی» (که آن را درنتوان یافت) آید = نهاد؛

به «عمید نیشابور» (که قبه... کرده است) کس فرستادند = متمم؛

در «بیابانی» (که در میان سرخس و مرو است) مضاف داد = متمم؛

خلیفه «هبه‌الله» را (که سمت اختصاص داشت) فرمود = مفعول.

۸۸. گزینه ۲.

معنای درست سایر گزینه‌ها، به ترتیب: فکر - علوفه‌ناخورده - هرکسی را.

۸۹. گزینه ۳.

با توجه به کارکرد هریک از مقام‌های یادشده، می توان این تست را پاسخ داد.

۹۰. گزینه ۴.

صورت درست سایر گزینه‌ها، به ترتیب چنین است:

یک: منتظر بارها (و هدایا و خراج) ری بود که ابوسهل حمدویی برایش (برای مسعود) می‌خواست بفرستد؛

دو: باباطاهر که اندکی آشفته‌حال (و همچون دیوانگان) بود...؛

سه: که آن را نتوان جبران (و کنترل) کرد.

عربی

۹۱. گزینه ۴.

العلی: اسم مقصور / مفعول به و منصوب تقدیرا

در گزینه ۱ «الصحابی» اسم منقوص نیست، چون «ی» آن مشدّد است.

۹۲. گزینه ۱

در گزینه ۲ «أی» منصوب و «المؤمنون» صفت است.

در گزینه ۳، «جمیعاً» حال و «المؤمنون» صفت است.

در گزینه ۴، «أی» منصوب است.

۹۳. گزینه ۴.

در گزینه‌های ۱ و ۳ «مذعنین» (حال، به معنی مطیعانه) ترجمه نشده است. در گزینه ۲ فعل‌ها ماضی ترجمه شده است.

۹۴. گزینه ۱ (آیه ۲۳ سوره نور)

۹۵. گزینه ۲ (آیه ۴۵ سوره نور)